

یادداشت کتاب

آموزه‌های عرفانی امام‌علی(ع)

محمود فاضلی

آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی(ع) محمدامین صادقی ارزگانی موسسه بوستان کتاب قم نوبت اول: ۱۳۸۴ تیراز: ۱۵۰۰ نسخه قیمت: ۲۹۵۰ تومان بی‌تردید در میان آنچه از

رهاوردوحی به بشر رسیده، معرفت حق سبحانه‌لذی‌بترین، عالی‌ترین و پرچادبه‌ترین حقیقتی است که نصیب انسان‌شده است. از این‌رو می‌توان گفت که برای انسان هیچ مقامی بالاتر از مقام معرفت و هیچ حالی خوش‌تر از حال عرفان نیست. پس عرفان‌حق، کعبه مقصود همه‌دینداران و حقیقت‌جویانی است که با خودشناسی سفری را به سوی عرفان حق آغاز کرده‌اند و با انجام مناسک حج معرفت و طواف کعبه دوست و با رسیدن به کوی مقصود که همان معرفت حق است، نه تنها اشک شوق و ابتهاج آنها همانند ابر بهاران فرومی‌ریزد، بلکه به تعبیر قرآن کریم، چشمان آنان خود فیضان و سیلان می‌کند. بنابراین عرفانی که از قلمرو دین، تبعید و سر نهادن به فرامین آسمانی و عمل به احکام نورانی شرع برای انسان حاصل می‌شود، کوثر نابی است که از چشمه زلال وحی می‌جوشد و تنها بر سرزمین دل‌های جریان‌پدا می‌کند که شرح صدر الهی نصیب آنها شده باشد. این همان کوثر زلالی است که منشأ و ریشه اصلی عرفان مصطلح شده، به عنوان یک علم در کنار سایر علوم اسلامی اظهار وجود کرده و تفسیر مشهودات را یافتگان کوی توحید و رهاورد شهودی سالکان عارف است.

از دیدگاه‌نویسنده عرفان‌ناب امامعلی، به عنوان راهی برای رسیدن به مقام کمال معنوی و معرفت، جنبهٔ درونی وحی اسلامی است که در واقع قلب و حقیقت باطنی آن به حساب می‌آید و حقیقت عرفان ناب و اصول، عقاید و روش‌های آن به تاریخ آغاز وحی رسیده و با معنا و صورت اسلام، به نحوی که در قرآن آمده ارتباط بسیار محکمی دارد.

در طول تاریخ اسلام، با بگشش‌هایی کم و بیش متناقض درباره عرفان رو به رو هستیم. جنبهٔ درونی وحی طرح می‌شود که گویی با عرفان و آموزه‌های آن کاملاً وارداتی بوده و باید آن را یکسره تخطئه کرد و کنار گذاشت و به حکم شرع و شریعت از آن دوری جست و یا بی‌درنگ آن را قبول کرد و به حقایق رسید، که در غیر این صورت، به هیچ حقیقتی دست نخواهیم یافت.

شاید به دلیل همین افراط و تفریط‌ها بود که بزرگانی همچون امام‌خمینی متذکر شده‌اند که هرگز نباید مقام و منزلتی را به صرف بهره‌مند نبودن از آن انکار کرد و به محض هماهنگ نبودن اصطلاحی با ذوق، سلیقه و فهم خویش، آن را رمی به فساد و فحشاء کرد و یا به‌صرف فراگرفتن چند اصطلاح به خویش غرور شد و ندای انسان‌لحق سر داد. چه زیکو این‌سبب‌با به این مطلب توجه‌داده‌است که: «هر که علاقه‌مند است حقیقت عرفان را درک کند باید تلاش کند تا از اهل مشاهده شود، چرا که عرفان با مشاهده قابل دریافت نیست. باید کوشش کرد تا از راه‌یافتگان کوی وصال بود، نه فقط از شنوندگان آثار آن». شناخت عرفان اسلامی و تعیین جایگاه آن در میان علوم اسلامی دیگر، که نه‌تنها پسندیده بلکه امری لازم و ضروری است که ربطی به معرف دینی ندارد، زیرا اگر تزل دادن علم معصوم به سطح معرفت عارف، ظلم بزرگی به مقام عصمت است، بیگانه خواندن و یا بدعت دانستن گرایش‌های معنوی و افکار عرفانی نیز علاوه بر این که ظلم بزرگی به فرهنگ پویا، عمیق، جامع و انسان‌ساز اسلام است همچنین محدود کردن آن همه آیات و روایات در حد فهم ظاهری عده‌ای طاهرترین و محروم کردن بشر از آن همه حقایق بلند آسمانی اسلام خواهد بود.

بنابراین ضرورت شناخت عرفان ناب و مشخص کردن جایگاه آن در میان علوم اسلامی و نیز تفسیر هستی از دیدگاه عرفان و شناخت مظاهر آسمانی الهی از یک سو و عرضه کردن رهاورد شهودی بزرگان اهل معرفت مبحث «آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی(ع)» مطرح و حقایقی که در این زمینه وجود دارد، تحقیق و تحلیل متناسب با شرایط زمان شود تا کوثر زلال معرفت ناب اسلامی همچون شبنم بر صفحه قلب تشنگان معارف الهی فرو ریخته و آنان را از حقایقی که در این باره وجود دارد، آگاه سازد.

از سوی دیگر به لحاظ شرایط مختلف فرهنگی و اجتماعی و مانند آن مسائل و مباحث عرفانی در بسیاری از مقاطع تاریخی دچار بی‌مهری و مهجوریت‌های شدید بوده است، بدین دلیل کاری تحقیقی که بتواند مسائل عرفانی را به‌سرچشمه اصلی آن که قرآن و روایات معصومین است، ارتباط دهد، یا انجام نشده و یا بسیار محدود انجام شده است، لذا طرح مسائل تحت‌عنوان فوق پیمودن راهی ناهوار خواهد بود. به خصوص آن که آذهان عمومی نسبت به اینگونه مسائل و ریشه‌یابی و ربط دادن آنها با سخنان ائمه نامانوس بوده و پذیرش آن را دشوار تلقی خواهد کرد. در این تحقیق با طرح مهم‌ترین مسائل عرفان اسلامی سعی خواهد شد که ارتباط آنها با معارف علوی طرح و تشریح شود.

کتاب ۳۴۴ صفحه‌ای آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی(ع) دارای یک مقدمه ۴۳ صفحه‌ای است که در آن تعریف لغوی عرفان و ارزیابی آن از دیدگاه‌بوعلی سینا، صدرالمعالم‌لین، امام خمینی و تأثیر عرفان ناب در شیون وجودی انسان مورد اشاره قرار گرفته است. بخش اول با عنوان «شناخت‌شناسی عرفانی»، بخش دوم «هستی‌شناسی توحیدی»، بخش سوم «شناخت انسان کامل»، بخش چهارم «علی و ولایت الهی» ارائه شده است.

اجازه بدهید این نوشته را با رجوع به گذشته آغاز کنیم. آیا

از حوادث چند ماه قبل که در کشور فرانسه اتفاق افتاد، چیزی به خاطر دارید؟ جوانانی را متصور شوید که در خیابان‌های محل سکونتشان تجمع کرده‌اند و با سردان شعار و آتش زدن اتومبیل‌های پل‌دار خود، صدای اعتراضشان را سرمی‌دهند. با توجه به اینکه دولت فرانسه، مجتمع‌های مسکونی در اختیار آنها قرار داده است و از حقوق یکبارگی برخوردار هستند، اما، و از وضع موجودشان، ناراضی‌اند. آری، این صدا، صدای اقلیت‌ها بود که در سرزمینی بیگانه با فرهنگ و نژاد و دین خود، در جست‌وجوی «حقوق حق» بودند. حال، اقلیت‌های مهاجر و ملی کیستند، آیا از حق و حقوقی برخوردارند و چه جایگاهی در کشور میزبان و کشور خود دارند، موضوعاتی است که در مجموعه مقالاتی که محمود روغنی در کتاب «اقلیت‌ها و تبعیض» جمع‌آوری کرده، مورد مذاقه قرار گرفته است. کتاب از دو فصل تشکیل شده: فصل اول: طرح حقوق اقلیت‌ها و فصل دوم: تجربیات. در فصل اول، موقعیت حقوقی اقلیت‌های مهاجر و اقلیت‌های ملی، در پنج مقاله و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم، تجربیات حاصل از موقعیت اقلیت‌های مهاجر، به صورت موردی و مصداقی، در کشورهای مهاجرپذیر (کانادا) در مقاله: ناسیونالیسم را جدی بگیریم و اقلیت‌های قومی در مقاله: درگیری‌های قومی، فدرالیسم و دموکراسی در هند و مقاله: قومیت و طبقه در مالزی) بررسی شده است. در نوشته‌ای که پیش روی دارید، مباحث نظری که در فصل اول مطرح شده، مرور می‌شود.

ج. ام. و رستر، در مقاله «حقوق اقلیت‌ها در دولت‌های قانون سالار، اقلیت‌ها را به عنوان گروهی تعریف می‌کند که «تعداد افرادش از اکثریت حاکم کمتر و جایگاه و قدرت سیاسی‌اش به خاطر مذهب، فرهنگ، روابط اجتماعی، زبان، قومیت و نظراتی سیاسی در موقعیت درجه دوم قرار گرفته است.» (ص ۱۴) به تعبیر دیگر می‌توان گفت که اقلیت‌ها ویژگی‌رو، گروه مسلط در یک جامعه هستند و به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و نژادی که با گروه مسلط (اکثریت) دارند، یا خود از مشارکت فعال در جامعه میزبان کناره‌گیری می‌کنند، یا به‌صورت غیرملموس، از مشارکت آنها جلوگیری می‌شود. چرا که در تابعیت اکتسابی، دولت تابعیت‌دهنده، خود را محق می‌داند در هر زمان که تشخیص داد، درباره اقلیت‌ها تصمیم‌گیری کند. با اینکه در منشور حقوق بشر و پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر احترام به حقوق اقلیت‌ها و نقش آنها تأکید شده است، اما کماکان شاهد تبعیض‌های آشکار و پنهانی بر اقلیت‌ها هستیم. حتی کشور آمریکا که خود ساخته‌مهاجران است، به تازگی قوانینی را وضع کرده است که موقعیت اقلیت‌ها را با چالش روبه‌رو کرده است. البته در کنار دفاع از حقوق اقلیت‌ها، به یقین آنها نیز باید «فرهنگ خود را پرورش دهند و در حفظ زبان، مذهب و سنت‌های خود بدون آن که به حقوق دیگران تجاوز کنند با اختصار بکوشند.» (ص ۲۳)

فیلیپ پرل موتر در مقاله «اقلیت‌ها و تبعیض»، موقعیت اقلیت‌های متعدد قومی و مذهبی را در یک جامعه بررسی می‌کند. در واقع پرل موتر، در این مقاله می‌خواهد رفتار تبعیض آمیز که اقلیت‌ها می‌توانند نسبت به دیگر اقلیت‌ها و اکثریت‌ها داشته باشند را نشان دهد.

بی‌شک، در روزنامه‌ها و یا از طریق گزارش‌های شبکه‌های مختلف خبری داخلی و خارجی، از زو و خوردهای خویشنی که بین قومیت‌های مختلف روی داده است با خبر شده‌اید. مثلاً کشور پاکستان همچنان شاهد بمب‌گذاری با کشتار اقلیت‌های مذهبی است. افغانستان به تازگی توانسته است طالبان را تا حدودی (نه مطلق) مهار کرده و آرامش بعد از توفان راتجربه‌کند. کشور عراق، همچنان در آلهاب جنگ قومی– مذهبی گرفتار است. اروپا نیز اواخر قرن بیستم شاهد کشتارهای خویشنی قومی– مذهبی در حوزه بالکان بود. همچنین آفریقا، آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا، کماکان شیخ جنگ قومی را بر سر خود می‌بینند. به نظر شما سرانجام چنین کشمکش‌هایی چه خواهد بود؟ به عقیده پرل موتر «کشمکش‌های مزبور در بدترین حالت به کشتارهای دسته‌جمعی، بمباران، قتل و غارت، تجاوز جنسی و نابودی

شهر و مدرنیته

ناصر فکوهی

هادی جابری مقدم، مرتضی، ۱۳۸۴، شهر

و مدرنیته،

با مقدمه سیدمحسن حبیبی،

شهرام یازوکی، تهران، انتشارات فرهنگستان

هنر جمهوری اسلامی.

یکی از پدیده‌هایی که در طول ده سال

اخیر به شیوه‌های مختلف شاهدش بوده‌ایم،

«فلسفی‌نویسی مبالغه‌آمیز» و گاه

«فلسفی‌زدگی» و آن هم عمدتاً به شکل

تأثیرپذیری از گروهی از نحله‌های فکری

پسامدرن بوده است که اصولاً درباره اعتبار آنها در شناخت و درک جامعه ما جای شک و تردید زیادی وجود دارد. این امر که به‌صورت موجی گسترده علوم انسانی را به‌طور کلی و علوم اجتماعی را به‌طور خاص فرا گرفته است، از خلال انتشار تعداد بی‌شماری کتاب با موضوع‌هایی با عنوان «پسامدرن» که بسیاری از آنها نیز صرفاً ترجمه‌های دست و پا شکسته و غیرمستقیم از زبان انگلیسی به فارسی بوده است، مشاهده می‌شود. البته می‌توان در این پدیده جنبه مثبتی را هم دید که همان گریز و روی برگرداندن از درک و برداشتی پزوتیویستی است که سال‌های سال این علوم را در دست‌خود اسیر کرده و ثمره آنها را به حد نظرسنجی‌هایی بی‌حاصل با نتایجی از پیش معلوم شده تقلیل داده بودند. اما بعد مثنی این موج قابل تأمل‌تر و تا اندازه‌ای مخرب‌تر شمرده می‌شود، بعدی که خود را عمدتاً به‌صورت جدا افتادن نویسندگان و مؤلفان از مسائل عینی و واقعی جامعه نشان می‌داد و در نهایت هر چه بیشتر این تصور را تقویت می‌کرد که گویی کاربرد و عمل با نظریه و تفکر در تضادی آشنی ناپذیر قرار دارند. این موج فراتر از علوم اجتماعی و انسانی در سال‌های اخیر به دانشکده‌های هنر و معماری نیز راه یافته‌بود و این بی‌همی رفت (و هنوز می‌رود) که در برابر آن شاهد بروز نوعی واکنش عمل‌گرایانه باشیم که بار دیگر به روندی عقل‌گرا یزانه و

کتاب‌اندیشه و تاریخ

تو هم حق زیستن داری

علیرضا جاوید



©: ۲۰۰۱

صورت گرفت و شاهد صف آرایی موافقان و مخالفان بودیم. سینگ بازیل از قول فل‌دبلم می‌نویسد: «مخالفان پوشش روسری در مدارس این رویداد را ناشی از رشد بنیادگرایی اسلامی ارزیابی کردند که برخورد ارزش‌ها را سبب شده بود و ارزش‌های سکولار، دموکراتیک و برابریلی جمهوری را تهدید می‌کرد. مخالفان بر تاریخ سکولار فرانسه و نقش آموزش و پرورش مدارس جمهوری که همگان را حول محور سکولاریسم همسو می‌ساخت، تأکید می‌کردند. نقش این مدارس در همانند ساختن دانش‌آموزان در جامعه‌ای همگن، یکتا و ملی که هدف آن تقویت هویت حاکم ملی بود خلاصه می‌شد. در این راه گفت‌وگو‌های چپ و راست بر ماهیت غیرمذهبی و خشتی مدارس تأکید داشت.» (ص ۴۶) البته سکولاریسم کتیم که این برخورد دولت فرانسه، مشخص به مدارس می‌شد. زیرا این اکثریت بودند که رفتار تبعیض‌آمیز را در عرصه اجتماعی و سیاسی، نسبت به اقلیت‌ها اعمال کردند. در نتیجه موضع‌گیری اقلیت‌ها نسبت به آنها، که بیشتر به صورت فحاشی، ساختن جوک، یا منتسب کردن داستان‌هایی درباره آنها است و در مواقعی، شکل رادیکال به خود گرفته و به صورت بمب‌گذاری در مراکز خرید یا تفریح می‌انجامد، بازتابی از وضعیت و موقعیت ناپسندان آنها در جامعه میزبان است.

سینگ بازیل در مقاله «پاسخ‌جوامع لیبرال دموکرات به درخواست‌های حقوقی گروه‌های اقلیت»، تلاش کرده است که حقوق فرهنگی و آمریکا که خود ساخته‌مهاجران است، به تازگی قوانینی را وضع کرده است که موقعیت اقلیت‌ها را با چالش روبه‌رو کرده است. البته در کنار دفاع از حقوق اقلیت‌ها، به یقین آنها نیز باید «فرهنگ خود را پرورش دهند و در حفظ زبان، مذهب و سنت‌های خود بدون آن که به حقوق دیگران تجاوز کنند با اختصار بکوشند.» (ص ۲۳)

فیلیپ پرل موتر در مقاله «اقلیت‌ها و تبعیض»، موقعیت اقلیت‌های متعدد قومی و مذهبی را در یک جامعه بررسی می‌کند. در واقع پرل موتر، در این مقاله می‌خواهد رفتار تبعیض آمیز که اقلیت‌ها می‌توانند نسبت به دیگر اقلیت‌ها و اکثریت‌ها داشته باشند را نشان دهد. بی‌شک، در روزنامه‌ها و یا از طریق گزارش‌های شبکه‌های مختلف خبری داخلی و خارجی، از زو و خوردهای خویشنی که بین قومیت‌های مختلف روی داده است با خبر شده‌اید. مثلاً کشور پاکستان همچنان شاهد بمب‌گذاری با کشتار اقلیت‌های مذهبی است. افغانستان به تازگی توانسته است طالبان را تا حدودی (نه مطلق) مهار کرده و آرامش بعد از توفان راتجربه‌کند. کشور عراق، همچنان در آلهاب جنگ قومی– مذهبی گرفتار است. اروپا نیز اواخر قرن بیستم شاهد کشتارهای خویشنی قومی– مذهبی در حوزه بالکان بود. همچنین آفریقا، آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا، کماکان شیخ جنگ قومی را بر سر خود می‌بینند. به نظر شما سرانجام چنین کشمکش‌هایی چه خواهد بود؟ به عقیده پرل موتر «کشمکش‌های مزبور در بدترین حالت به کشتارهای دسته‌جمعی، بمباران، قتل و غارت، تجاوز جنسی و نابودی

و دین کاملاً محسوس است. لیکن در این‌جا ما با دولت، نهادهای جامعه مدنی و کلیسایی سرکار داریم که در هم کاری، همکاری و هم‌بستگی باهم، خودنیز متحول، متجدد و «امروزی» می‌شوند. متأسفانه مترجم معادل انگلیسی را نیاورده است تا خواننده متوجه شود که آیا سینگ بازیل، این اشتباه فاحش را مرکب شده (فراموش نکنیم که در انگلستان ارزش‌های سکولاریسم حاکم است) یا ترجمه آقای محمود روغنی جای تأمل دارد.

کث‌بنتینگ و ویل کیم لیکا، در مقاله «تنوع‌گرایی فرهنگی و رفاه»، معتقدند که امروزه دموکراسی‌های غربی، تساهل و مدارای بیشتری با اقلیت‌ها می‌کنند. مانند: اعطای خودمختاری و حق آموزش به زبان مادری. آنها معتقدند که این امر نشان‌دهنده حمایت از هویت و فرهنگ و مذهب اقلیت‌ها است تا خواننده متوجهی که از سوی برخی از دولت‌های لیبرال–دموکرات اتخاذ شده، دو انتقاد صورت گرفته است: «یکم: از نظر فلسفی این سیاست‌ها را مغایر با اصول ابتدایی لیبرال دموکراتیک می‌داند. دومین انتقاد فلسفی که از اواسط سال‌های ۱۹۹۰ مطرح شده است بر این باور است که سیاست‌های تنوع‌گرایی فرهنگی پیشرنده‌های دولت رفاه گستر را سخت‌تر می‌کند و از این ترس دارند که چنین سیاست‌هایی اعتماد میان افراد، همبستگی اجتماعی و ائتلاف‌های سیاسی را سست‌تر کند.» (ص ۶۲) اما آیا به نظر شما می‌توان چنین انتقادهایی را پذیرفت؟ کث‌بنتینگ و ویل کیم لیکا، دلایل این انتقادها را در سه دسته قرار داده‌اند: ۱– همهچه بی‌حاصل: منتقدان این دسته معتقدند که دولت، به جای اینکه نیرو و توان خود را صرف کاهش هزینه‌های رفاه زندگی کند، آن را صرف بحث درباره تنوع‌گرایی فرهنگی می‌کند. اما در مقابل کث‌بنتینگ و ویل کیم لیکا، معتقدند که «ادبیل اصلی رکود برنامه‌های اجتماعی آن بود که بیشتر مردم به ویژه چپ‌گرایان در رابطه با نابرابری‌های اقتصادی به گرایش‌های جبرگرایانه روی آوردند.» (ص ۶۶)

۲– سست شدن همبستگی: منتقدان این دسته معتقدند که دولت با حمایت از تنوع‌گرایی فرهنگی، به تفاوت‌ها به جای نقاط مشترک انگشت می‌گذارد. امری که موجب سست شدن همبستگی ملی می‌شود. بنتینگ و کیم لیکا، با تردید نسبت به این انتقاد می‌گویند: «دولت‌های غربی درست زمانی به پذیرش این گونه سیاست‌ها تن دادند که هیچ‌گونه اعتماد و همبستگی میان گروه‌های قومی و ملی وجود نداشت. گروه‌های مسلط از سوی گروه‌های اقلیت احساس خطر می‌کردند، خود را برتر از آنها می‌دانستند و نسبت به رفاه آنان بی‌تفاوت بودند. در نتیجه، می‌کوشیدند آنها را همانند سازند، مسائل آنها را نادیده بگیرند و آنان را استثمار کنند.» (ص ۶۷)

۳– تشخیص نادرست: منتقدان این دسته معتقدند که دولت با تأکید بر مشکلات اقلیت‌ها، ذهن مردم را نسبت به مشکلات اصلی، که یکی نادیده گرفتن مسائل نژادی و دیگری مسائل طبقاتی است، دور می‌کند. بنتینگ و ویل کیم لیکا، این دیدگاه را نیز رد کرده و می‌گویند: «اقلیت‌ها از جنبه‌های گوناگونی به دوری افتاد گستر، چنین نتیجه می‌گیرند که رویه‌رو می‌شوند اما شدت تبعیض در هر مورد برای تمام گروه‌ها یکسان نیست.» (ص ۶۸) سپس با توجه به این انتقادها و پاسخ به آنها در ارتباط با سیاست‌های تنوع‌گرایی فرهنگی و دولتی افتاد گستر، چنین نتیجه می‌گیرند که دولت‌هایی که دارای اقلیت‌های مهاجر هستند و سیاست‌های تنوع‌گرایی فرهنگی را پیگیری می‌کنند «هزینه‌های بیشتری را به رفاه اجتماعی اختصاص داده‌اند و نسبت به کشورهای ناپکیمر، در تعدیل ثروت شهروندان خود موقعیت بالاتری را به دست آورده‌اند.» (ص ۷۷) همچنین معتقدند که کشورهای که به خواست‌های اقلیت‌های ملی خود پاسخ مثبت داده‌اند، در ارتباط با سیاست‌های رفاهی با مشکل کمتری مواجه شده‌اند.

توماس فلینه، در مقاله «چندگونگی قومی و فدرالیسم»، موقعیت اقلیت‌های قومی را در ارتباط با دولت، بررسی می‌کند. از دیدگاه فلینه، چالش بزرگی که پیش روی کشورهایی با قومیت‌های گوناگون قرار دارد، به دست آوردن اعتماد شهروندان است تا در سایه این اعتماد، یکپارچگی سیاسی حفظ شود. در غیر این صورت، این دولت‌ها دوام چندانی نخواهند داشت.

تاملی در وحدت اندیشه لنین

– معنا و مفهوم خود را پیدا می‌کند و به گفته بسیاری از اندیشمندان مطرح دنیا همین یک نکته برای متحول و متغلب کردن اندیشه چپ و ظهور چپ‌های جدید کافی بوده است. علت نوشته شدن این کتاب معارضه با انتقاداتی بود که کمونیست‌ها به کتاب «تاریخ و آگاهی طبقاتی» او وارد آورده بودند اما لوکاچ این رساله را اسندی به حساب می‌آورد که دیدگاه بعضی از مارکسیست‌ها در او مورد



سیاسی او پس از ترجمه کتاب بسیار مهم «تاریخ و آگاهی طبقاتی» توسط ج. م. پورنده به مجموعه ترجمه‌های فارسی پیوست ولی با تامل‌ها هنوز آثار از لوکاچ وجود دارند که هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند. هنگامی که با این کتاب رویه‌رو می‌شویم اولین سئوالی که پیش می‌آید عبارت از علت پرداختن به «لنین» است. در زمینه این سئوال باید پاسخ داد که در ابتدا از لحاظ تاریخی تصویر قرن بیستم بدون درک واقعی عمل و اندیشه لنین ناقص است و در زمینه اندیشه نیز هنوز بسیاری از آرای ایشان مورد معارضه جدی قرار نگرفته است خصوصاً بخش‌های اصلی نظریات

سیاسی او پس از ترجمه کتاب بسیار مهم «تاریخ و آگاهی طبقاتی» توسط ج. م. پورنده به مجموعه ترجمه‌های فارسی پیوست ولی با تامل‌ها هنوز آثار از لوکاچ وجود دارند که هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند. هنگامی که با این کتاب رویه‌رو می‌شویم اولین سئوالی که پیش می‌آید عبارت از علت پرداختن به «لنین» است. در زمینه این سئوال باید پاسخ داد که در ابتدا از لحاظ تاریخی تصویر قرن بیستم بدون درک واقعی عمل و اندیشه لنین ناقص است و در زمینه اندیشه نیز هنوز بسیاری از آرای ایشان مورد معارضه جدی قرار نگرفته است مانند تئوری امپریالیسم، رشد سرمایه‌داری در روسیه و همچنین «دولت و انقلاب» لوکاچ نیز که جزء کتاب‌های بسیار مهم در تفسیر و تشریح نظریات مارکس است اما این کتاب تلاشی است در زمینه مخالفت با گرایش‌هایی که تصورات در مورد لنین را صرفاً به مسائل سیاسی محدود می‌کنند و به وجود آوردن روابط علت و معلولی و مستقیم بین او و استالین، وی را لگدمال می‌کند، با توجه به اینکه انقلاب اکبر در سراسر قرن بیستم تأثیرگذار بوده و غفلت از آن سبب درک ناقص موقعیت تاریخی می‌شود. «جورج لوکاچ» را می‌توان به همراه «کارل کرش» و خصوصاً «آنتونیو گرامشی» از مبدعان اصلی جریان چپ جدید به‌شمار آورد چرا که به عنوان مثال به هرچند که هرچند به صورت کلی هستند دست می‌زنند.

نگاه کوتاه

مجاهدین خلق در آینه تاریخ

مجاهدین خلق در آینه تاریخ
علی اکبر راستگو
مرکز اسناد انقلاب اسلامی
نوبت اول: ۱۳۸۴
تیراز: ۳۵۰۰ نسخه
قیمت: ۳۵۰۰ تومان

مرکز اسناد انقلاب اسلامی که در سال جاری دو کتاب دیگر به نام‌های «سازمان مجاهدین خلق» (حسین احمدی روحانی) و همچنین «شرح تاریخچه سازمان مجاهدین خلق» (احمدرضا کریمی) در خصوص سازمان مجاهدین خلق منتشر ساخته بود در جدیدترین کتاب خود «مجاهدین خلق در آینه تاریخ» نوشته علی اکبر راستگو یکی از اعضای این سازمان را منتشر ساخته است. نویسنده کتاب یکی از اعضای انجمن‌های دانشجویان مسلمان هوادار این سازمان در سال ۱۳۵۸ بوده است. وی در سال ۱۳۶۰ پس از فرار به خارج از کشور با تعدادی از اعضا و هواداران، سازمانی را به نام سازمان فارغ التحصیلان دموکراتیک ایران در آلمان غربی تأسیس کرد. بعد از انقلاب ایدئولوژیک سازمان یا همان ازدواج مسعود و مریم سازمانی به نام «نهاد دیپلماسی» تأسیس شد که نویسنده به این سازمان انتقال یافت. هدف این سازمان تماس و رایزنی با مقامات کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس و لوکزامبورگ بود.

راستگو سپس در سال ۱۳۶۵ به بخش نظامی سازمان در عراق منتقل و سپس از سازمان جدا شد و به آلمان بازگشت و کتاب «صدای تیک و تیک بعب می‌آید را در افشای سازمان منتشر ساخت که البته سازمان با صدور اطلاعیه‌ای منکر هرگونه وابستگی را ستگو به این سازمان شد. اما شهرت و عبوستی وی بیش از آن بود که بشود آن را تکذیب کرد. کتاب مجاهدین خلق در آینه تاریخ، از همین نویسنده است. ناشر در محتوای کتاب وی هیچ تغییری نداده و صرفاً دو فصل کتاب را به دلیل ترتیب منطقی و جلوگیری از خستگی خواننده جابه‌جا و کلمات توهین‌آمیز آن را حذف کرده است.

نویسنده در پیشگفتار خود آورده است: «ا روند حرکت و موضع‌گیری‌های سازمان مجاهدین از بعد از انقلاب ۱۳۵۷ آتقدرد ضد و نقیض بوده است که هر انسان سیاسی را به شگفتی و تعجب وامی‌دارد. البته در آن مقطع، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی روشنفکر، مواضع سازمان را مورد تحلیل و تفسیر قرار داده و آن انتقاداتی می‌کردند ولی در داخل سازمان، متأسفانه این انتقادها نه‌تنها گوش خراش نداشت، بلکه فرد و یا گروه انتقادکننده با بدترین اهانت‌ها و خطاب‌ها رویه‌رو می‌شد. سیستم کنترل و روابط درونی سازمان اجازه هیچ گونه فکر و یا ابراز نظر و مخالفت در مورد تحلیل‌های رهبری را به افراد عضو و زبردست نمی‌داد.»

نویسنده سپس ادامه می‌دهد: «این کتاب می‌کوشد سازمان مجاهدین را از آغاز تأسیس تاکنون مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. این بررسی با توجه به فعالیت عمدتاً خارج از کشوری نویسنده در فصل اول کم‌رنگ، ولی در فصول بعدی بسیار عمیق می‌شود. در بیان تجربیات شخصی نویسنده بسیار سعی شده است که این موضوع بی‌طرفانه باشد تا به جنبه تحقیقی اثر لطمه‌ای وارد نیاید. من به سهم خود در رساندن سازمان به موقعیت خطرناک فعلی سهمی هستم زیرا بدون جانفشانی و از خود گذشتگی من و امثال من سازمان مجاهدین نمی‌توانست به فعالیت خود ادامه بدهد.»

نویسنده سپس از پیشگاه ملت عظیم ایران پوزش خواسته و استدعا کرده است که مردم ایران وی را به خاطر رابطه و سال‌ها همکاری حرفه‌ای با سازمان مجاهدین خلق و دولت عراق ببخشند. مطالب کتاب به‌طور تاریخی و زمانی در سه فصل مختلف و مستقل به لحاظ موضوعی، تقسیم شده است. به هر کدام از موضوعات تاحد امکان، بضاعت، امکانات نویسنده و مدارکی که موجود بود، پرداخته شده است. در بخش اول با عنوان «مبارزه مسلحانه هم‌استراژی هم‌تاکتیک» موضوعاتی همچون مرحله اول، قبل از انقلاب از سال تأسیس سازمان تا سقوط رژیم شاه، مرحله دوم بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۶ مورد بحث قرار گرفته است.

بخش دوم با عنوان «ساختار تشکیلاتی سازمان مجاهدین» به بررسی موضوعاتی همچون سازماندهی هرمی، روابط درونی سازمان، دو بال سیاسی سازمان (شورای مقاومت ملی) شامل سازمان‌ها و شخصیت‌های عضو آن، اما نظامی ارتش آزادیدبخش (سازماندهی ارتش آزادیدبخش) در خرداد ۶۶ و از سال ۶۸ به بعد و قرارگاه‌های سازمان در عراق پرداخته است. بخش سوم این کتاب با عنوان «بخش مالی سازمان» به منابع مالی این سازمان در خارج از کشور، سربازگیری سازمان از کشورهای غربی، سازمان‌ها و انجمن‌های پوششی مجاهدین اختصاص یافته است. بخش چهارم تحت عنوان «زندان‌های مجاهدین» زندان‌های داخل قرارگاه‌های این سازمان، برخورد سازمان با اسرای جنگی، محاکمات درونی سازمان و زندان‌های تحت حاکمیت دولت عراق را مورد بررسی قرار داده است. پایان بخش این کتاب ۴۱۰ صفحه‌ای، ۷۶ ضمیمه به همراه ده‌ها عکس از اعضا و رویدادهای مرتبط با این سازمان است.